

● مهدی پیشوائی

✦ کتابی بقلم دو نویسنده کمونیست که
در دنیا صدا کرد
✦ این دو نویسنده پرده از روی حقایق
وحشتناکی در باره شوروی برمی دارد

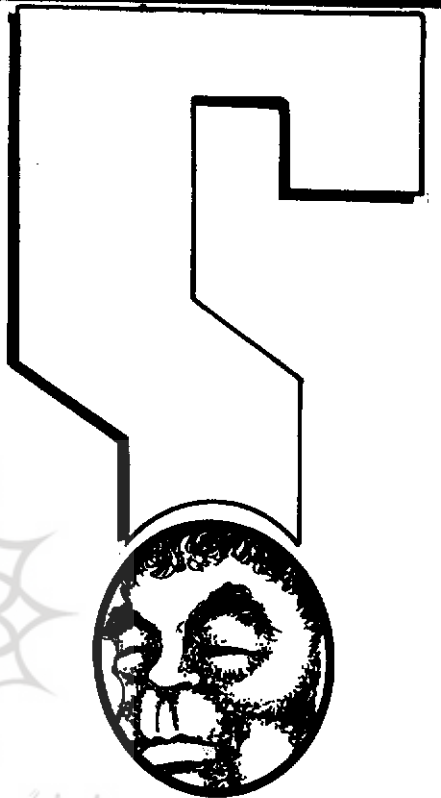
«خیابان کارگر سرخ» نام کتابی است
که روزنامه نگار فرانسوی وارمنی الاصل آقای
«جان گیهایان» و همسرش «نینا» که
یهودی فرانسوی ولی پولونی الاصل است، به
زبان فرانسوی نوشته اند.

سروصدائی که این کتاب ایجاد کرد، ممکن
است ریشه سیاسی یا فکری داشته باشد و ممکن
است مربوط به شخصیت مؤلفان کتاب باشد
که هر دو عضو حزب کمونیست هستند.
نویسندگان کتاب، بالحن انتقاد آمیز و خشمگینی
از شوروی بحث کرده اند، نه بالحن افراد کمونیست
که از دولت کمونیستی بزرگ و پیشاهنگ،
ستایش کنند چنانکه انتظارش می رفت. به احتمال
قوی سروصدائی که این کتاب برپا کرد، هم جنبه
سیاسی داشت و هم از ارزش فکری و سندیت آن،
و همچنین از شخصیت مؤلفان سرچشمه میگرفت.

۱ - این مقاله از شماره ۱۰۵ سال ۳ مجله

المستقبل، چاپ پاریس ترجمه و تلخیص شده است

مکتب اسلام



در
شوروی
چه میگردد؟!

محتوای کتاب

این کتاب شامل يك مقدمه و يك خاتمه و ده فصل است، مقدمه و خاتمه رادزوج مشترکا نوشته‌اند و از فصل‌های دهگانه ، هر کدام چندفصل رامستقلا نگاشته‌اند .

مقدمه ، شامل تاریخچه و انگیزه‌های نگارش کتاب است ، نویسندگان طی مقدمه تشریح کرده‌اند که هر دواز ۲۵ سال پیش کمونیست مبارز در حزب کمونیست فرانسه بوده‌اند و دولت شوروی همیشه در نظر آنان يك دولت کمونیست پیشاهنگ ، و برای هر فرد کمونیست ، الگوی بزرگ بوده است . نویسندگان کتاب در اوائل دهه ۷۰ - ۸۰ به فکرافتادند که به اتحاد جماهیر شوروی سفر کرده‌مدتی در آن کشور اقامت کنند تا با واقعیت های درون آن آشنا شوند و از نزدیک ببینند که وضع آن تاچه حد باتصویر ایده‌آل و دلپذیری که در ذهن آن از آن کشور نقش بسته است ، منطبق است ؟

از پندار تا واقعیت !

بدنبال این فکر بود که این دوزوج، در اثر اقدام کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی به استخدام خبرگزارى شوروی درآمدند و مدت ۷۰۰ روز در مسکو اقامت گزیدند. آندو در این مدت کار می کردند و دقت و مقایسه می نمودند . پس از این مدت به فرانسه باز گشتند ولی چه بازگشتی؟ دلی پر حسرت داشتند و دیگر شوروی در ذهن آنان شوروی گذشته نبود، بلکه فقط تصویر بزرگی که هنگام سفر به شوروی از این کشور در ذهن داشتند، به صورت کمرنگی

برای آنان باقی مانده بود !

پس از این شکست و نومیدی دردناک ، چهار سال در فرانسه سکوت کردند و چیزی در باره مشاهدات خود در شوروی ننوشتند، و این پیش از هر چیز به حکم تمایل حزب کمونیست فرانسه بود که در آن عضویت داشتند . ولی سرانجام به ستوه آمده و دیگر نتوانستند سکوت کنند ، سکوت درباره وضع داخلی شوروی ، در نظر آنان ، به معنای ادامه يك دندگی در توطئه سکوت بود. وقت آن رسیده بود که آقای «جان» و خانم «نینا» به ندای وجدان گوش کرده پرده از روی حقیقت بردارند . مدت ها بود که حزب کمونیست فرانسه ، از واقعیت کشور شوروی چشم پوشی می کرد ، آری حزب کمونیست فرانسه ، حقیقت را می دانست ، مگر نه این بود که مسئولان این حزب ، قبل از مسافرت نویسندگان کتاب ، به آنان گفته بودند که نود درصد «رفقا» که به شوروی سفر کرده‌اند ، بعدها حزب آنان را از دست داده است ! بدین ترتیب بود که مولفان کتاب ، در پاسخ ندای وجدان ، شروع به نگارش مشاهدات خود در شوروی کردند، اینک ببینیم مشاهداتشان چه بود .

رؤیای شیرینی که غلط از آب

درآمد :

طی فصل اول کتاب، «نینا کیهان» زمینه - چینی می کند برای بحث در باره شوروی . وی می نویسد : در کوچکی نمی توانسته تصور کند که ممکن است فردی کمونیست نباشد. او یهودی و از مردم « پولون » است ، خانواده او اندکی

کردند و نویسنده ، در آنجا وارد مدرسه شد و زیر نظر يك استاد كمونیست فلسفه خواند ، استاد ، اوراتحت تأثیر افکار خود قرار داد و آماده پذیرش مکتب کمونیسم ، و عضویت در حزب کمونیست برای بعدها کرد .

اوبارها از کشور شوروی دیدن کرد و در یکی از همین مسافرتها بود که با همسر کنونی خود آشنا شد . هنگامی که تصمیم گرفت همراه همسر و دو فرزندش برای اقامت دوساله به شوروی مسافرت کند ، خبرهای انحراف شوروی از خط مشی قدیمی ، به او می رسید ولی او می خواست اطلاعات بیشتری به دست آورد و از نزدیک با حقیقت آشنا شود ، به همین کیفیت هم حقیقت رادریافت و در فصول بعدی کتاب ، آن را فاش ساخت . نبرد عقیدتی صحیح ، گفتن حقیقت است ولو هر قدر تلخ و ناگوار باشد .

امتیازات بیگانگان :

در فصل سوم کتاب ، نویسنده ، از اقامت دوساله خود و خانواده اش در شوروی سخن به میان می آورد . از لحظه ای که قدم به خاک شوروی گذاشته ، وضع ناجور راهها ، تراکم ماشینها ، و بی مبالاتی رانندگان نسبت به یکدیگر ، او را آزرده ساخته است . هر وقت اتومبیلی خراب و متوقف می شود ، هیچ کس برای کمک توقف نمی کند . بدین ترتیب از لحظه ورود به خاک شوروی تارسیدن به مسکو با صحنه هایی روبرو شده که او را ناراحت و احساسات وی را تحریک کرده است .

از همان نخستین لحظه ، احساس کرد که

مکتب اسلام

قبل از جنگ جهانی دوم به فرانسه مهاجرت کرده اند ، والدین او کمونیست بی دین هستند و همانها بودند که علاقه به آزادی ، صلح ، دموکراسی ، و سوسیالیسم را به وی تلقین کردند و این ارزشها همیشه در نظر آنان با کلمه درخشان و افسون گری همراه بود که عبارت بود از : « اتحاد جماهیر شوروی »

او که در چنین شرایطی پرورش یافته بود ؛ طبیعی بود که با کمال سادگی ، و بدون شك و تردید یا ناراحتی وجدان ، به عضویت کمونیست در آید و باز طبیعی بود که از میان زبان هائی که برای درس خواندن او در نظر گرفته شده بود ، زبان روسی را برگزیند .

او يك زبان رابه خوبی یاد می گیرد و بارها به شوروی سفر می کند . نخستین برداشت او از کشور شوروی این بود که يك کشور فقیری است که فقر در تمام مظاهر آن به چشم می خورد . پس از دوسال اقامت مستمرد شوروی ، نتیجه این شد که آن تصویر درخشانی که از کودکی از شوروی در ذهن داشت و به آن عشق میورزید ، از هم پاشید و دود شد و به هوا رفت . پس از زمینه سازی خانم « نینا » در فصل اول کتاب ، نوبت همسرش در فصل دوم می رسد :

اوارمتی است ، والدین او در سال ۱۹۱۵ از کشتار ترکیه نجات یافته و پس کشته شدن پدرانشان ، در دارالایتام بزرگ شده اند ، در آن تاریخ دارالایتام تحت نفوذ « پروتستان » بود که هدف آن نجات مردم مبارز و کمونیسم بود .

پس از آن خانواده او به فرانسه مهاجرت

دیده می‌شوند که جوراب‌ها و کلاه‌های کوچک دستباف خود را می‌فروشند .

البته این خرید و فروش در شوروی ممنوع است ، زیرا اصولاً در این کشور فروش آزاد وجود ندارد بسیار دیده می‌شود که پلیس یا مأموران امنیتی ، این پیره‌زن‌ها را از آنجا می‌رانند و گاهی کار به درگیری می‌کشد . گاهی خود مأموران امنیتی با لباس معمولی برای خرید کالاهای قاچاق می‌روند !

نویسنده از اصرار و سماجت مردم شوروی که از مسافران و بیگانگان درخواست می‌کند نندک ، پیراهن ، یا شلوار خارجی را به آنان بفروشند ، شکوه می‌کند شکوه‌نویسنده منحصر به این‌ها نیست ، بلکه او از همه چیز شوروی شکایت می‌کند . . .

(دنباله دارد)

دنباله : سخن‌ماه

عقب افتاده‌ترین و نیازمند به آنها هستند با توجه به شرایط خاص انقلاب ماشکی باقی نمی‌ماند که روح ایمان و اسلام بر این محیط حاکم است و دریافت يك جامعه اسلامی همانگونه که تلاش برای تحمل پرستی و حفظ ثروتهای کلان و زندگی اشرافی به قیمت محرومیت دیگران دلیل بر بیخبری از روح اسلام و روح جامعه انقلابی ما است، تلاش برای زنده کردن مکتبها ماتریالیستی نشانه عدم آگاهی از شرایط محیط و دوری از جامعه شناسی این ملت است و این هر دو طرز تفکر فاجعه آفرین است.

شبکه‌ای ، اوراتحت کنترل و مراقبت دارد و در طول راه سایه به سایه اوراتعقیب می‌کند اوتابه مسکوبرسد ، مجبور شد بارها و به تکرار اوراق و گذرنامه خود را نشان بدهد .

آیا مسکو چنگی به دل می‌زند؟ در خیابان «کونوزوف» شخصیت‌های بلند پایه شوروی و تیپ دیپلمات‌ها و نمایندگان بازرگانی خارجی و روزنامه‌نگاران بیگانه اقامت دارند . این گروه‌ها در ساختمان‌های ویژه ، در منطقه معینی اقامت دارند و مردم مسکوحق ندارند به این منطقه وارد شوند .

این بیگانگان خدمتگزاران ویژه‌ای دارند که مقامات شوروی در اختیار آنان گذاشته‌اند خدمتگزاران از فروشگاه‌های ویژه‌ای خرید می‌کنند که همه چیز دارد و خرید از آنها برای مردم شوروی ممنوع است .

هتل «اوکراین» که یکی از آسمان-خراش‌های هفتگانه‌ای است که «استالین» ساخته ، در همین خیابان «کونوزوف» واقع شده‌است. در این خیابان محصولات کشاورزی که توسط کشاورزان «کلخوز»ها تولید میشود به فروش می‌رسد . «کلخوز»ها ، يك سلسله مزارع ، یا واحدهای کشاورزی است که مستقلاً تولید می‌کنند و بخشی از محصولات خود را به چند برابر قیمت رسمی که از امکانات افراد عادی فراتر است به فروش می‌رسانند. در این بازار ویژه ، قیمت‌ها تحت نظارت دولت نیست ؛ بلکه نوعی بازار آزاد است که در آن اجناس گران قیمت به فروش می‌رسد در نزدیکی این بازارها ، گدایان ، جیب‌برها ، زنان و ، و طالع بین به چشم می‌خورند ، در گوشه‌ای از بازار ، پیره‌زن‌هایی